

■ باید توجه داشت که در پس همه فعالیت‌های جهادی، باید یک انجذاب معنوی، یک کشش معنوی، یک آرمان الهی و سلوکی باشد. این مکتب است که چمران و مطهری و سلیمانی تربیت می‌کند. نه تنها این بزرگان، بلکه وقتی وصایا و دلنوشته‌های یک بسیجی شهید ۱۴ساله را ورق می‌زنی، می‌بینی این خطوط الهی و قدسی در آن موج می‌زند. شهادت یک امر اتفافی نیست، یک امر انتخابی است. باید انسان را انتخاب کنند

چندین مقاله از سیدجلال رضوی همدانی

چندین مقاله از سیدجلال رضوی همدانی

حجت‌الاسلام سیدجلال رضوی همدانی از آن دسته مبلغان پرتلاشی است که از دوره نوجوانی خود تاکنون در عرصه‌های مختلف جهادی و دینی حضور فعال داشته است. از همان اوایل سنین نوجوانی جزو نیروهای داوطلب خود را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل رسانید و همین هم آغاز پیوند او با جمع کثیری از رزمنده‌ها بود که بعدها به فیض شهادت رسیدند. آشنایی و رفاقت حجت‌الاسلام سیدجلال رضوی همدانی با سردار همدانی به همین ایام حضور در جبهه‌ها بازمی‌گردد؛ ارتباطی که در سال‌های بعد از پایان دفاع مقدس نیز ادامه داشت.

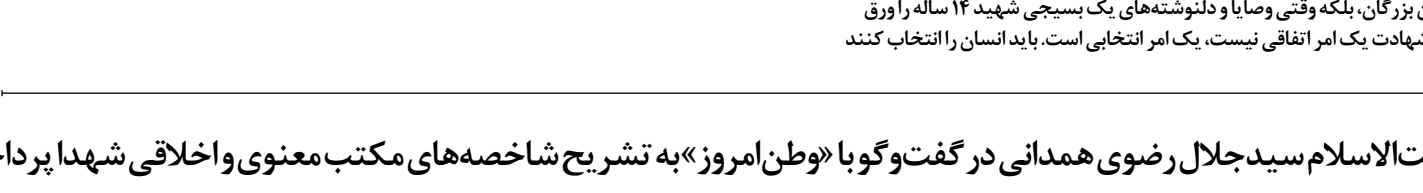
حجت‌الاسلام رضوی همدانی که سینه‌اش گنجینه خاطرات شهادت، تمام هم و غم خود را معطوف به ترویج مکتب معنوی و فکری شهدا کرده است. همین موضوع باعث شد وقتی خواستیم درباره چارچوب و اصول سلوک معنوی شهدا مطلبی بنویسیم سراغ ایشان برویم. حجت‌الاسلام سیدجلال رضوی همدانی در گفت‌وگو با «وطن امروز»، ابتدا از غوغای باطنی و معنوی شهدا که درون‌مایه اصلی فعالیت‌های ظاهری و جهادی آنها بود، سخن گفت و سپس با بیان سیره معنوی شهدا به خطوط اصلی مکتب اخلاقی آنان پرداخت. حجت‌الاسلام رضوی همدانی در این بین به ذکر مشاهدات خود از ویژگی‌های معنوی سردار همدانی نیز پرداخت و سعی کرد نمونه‌هایی از رفتار این شهید را به عنوان الگویی معنوی به مخاطبان ارائه کند.

■ **اولین سوآلی که می‌خواهم از شما بپرسم این است که هرگاه زندگی یکی از شهدا بویژه شهدا مقاومت مثل سردار سلیمانی را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که در پس پرده فعالیت‌های جهادی، یک کشش و جذب‌ه و سلوک معنوی وجود دارد؛ تحلیل شما درباره شخصیت این شهدا از حیث اخلاقی- سلوکی چیست؟**

این نکته مهمی است که به آن اشاره کردید، مساله اصلی که بین فعالیت نظامی و جهادی یک شهید با دیگران تفاوت ایجاد می‌کند، همین امور باطنی است؛ انگیزه‌ها، نیت‌ها، اخلاص‌ها و توجه به رضای خدا در ظاهر اعمال. ما هر چقدر از معنویت و سلوک معنوی شهدا بگوییم کم گفته‌ایم. من معتقدم یک دانشنامه عرفانی بر مبنای مکتب عرفانی شهدا باید تدوین شود. «عرفان شهدا»، مکتبی عرفانی است که در دل انقلاب شکل گرفته و از همه عرفان‌های دیگر انسان را بی‌نیاز می‌کند.

شما می‌بینید سردار سلیمانی قبل از شهادت‌شان، دست‌نوشته‌ای دارند که در آن با خدا مناجات می‌کنند و درخواست لقای خدا را می‌کنند، این یک مطلب مهمی است. باید توجه داشت که مکتب معنوی انقلاب اینگونه بود و هست که ابتدا در دل مردم و جوانان شوق لقای خدا، شوق کسب رضای خدا، شوق بندگی خدا را ایجاد می‌کند و سپس آنان را دعوت می‌کند که از مسیر جهاد در عرصه‌های مختلف به این آرمان الهی دست پیدا کنند. پس باید توجه داشت که در پس همه فعالیت‌های جهادی، باید یک انجذاب معنوی، یک کشش معنوی، یک آرمان الهی و سلوکی باشد. این مکتب است که چمران و مطهری و سلیمانی تربیت می‌کند. نه تنها این بزرگان، بلکه وقتی وصایا و دلنوشته‌های یک بسیجی شهید ۱۴ ساله را ورق می‌زنی، می‌بینی این خطوط الهی و قدسی در آن موج می‌زند. شهادت یک امر اتفافی نیست، یک امر انتخابی است. باید انسان را انتخاب کنند. همسر شهید حججی تعریف می‌کرد که این شهید بزگور ۴۰ شب جمعه به جمکران رفت تا در آخرین زیارت خود با چشم اشکبار امضای شهادت خود را از اسام زمان گرفت. تمام نیروهای انقلابی و کسانی که در راه انقلاب تلاش می‌کنند باید توجه داشته باشند که انگیزه اصلی آنها از فعالیت‌های انقلابی باید یک انگیزه معنوی باشد، موتور محرک و فعالیت‌های آنان باید عشق باشد، عشق به خدا و اولیای خدا، نیروهای جهادی باید جهاد را به عنوان وسیله‌ای برای قرب به حق انتخاب کنند.

انقلاب این فرصت را فراهم کرده است که هر کس به دنبال رسیدن به کمالات معنوی است، از دل فعالیت برای انقلاب و خدمت به مردم به قله‌های کمال معنوی برسد. اگر این انگیزه معنوی و الهی از نیروهای انقلابی گرفته شود، فعالیت‌ها از درون بوج می‌شود. توجه داشته باشید که شهدا مطالبات الهی را ابتدا در کشور وجود خود پیاده کردند، سپس سعی کردند این احکام و مطالبات را در بیرون خود پیاده کردند؛ در اوروند، اگر در درون خود به عدالت و صداقت نرسید به اجرا باشیم چگونه می‌خواهیم عدالت و صدق را در جامعه پیاده کنیم؟ جهان‌بینی توحیدی شهدا آنها را به جایی رساند که لایق شهود و جهاله شدند. هر کس می‌خواهد در راه شهدا قدم بردارد باید بداند که ابتدا باید قلب خود را تزکیه کند،



حجت‌الاسلام سیدجلال رضوی همدانی در گفت‌وگو با «وطن امروز» به تشریح شاخصه‌های مکتب معنوی و اخلاقی شهدا پرداخت

سلوک معنوی، قلب انقلاب اسلامی



قلب خود را عاشق خدا کند، قلب که عاشق خدا شد حالا با قالب و کالبد خود به دنبال فعالیت‌های جهادی و انقلابی باشد با انگیزه رسیدن به معشوق و کسب رضای معشوق. این همان درس بزرگی است که یکی از شهدا در نوشته‌های خود با یک بیت شعر آن را بیان می‌کند: «ما و موسی همسفر بودیم در سینیای عشق/ قسمت او ن ترانی، سهم ما دیدار شد». مکتب معنوی شهدا این بود: انتخاب جهاد و فعالیت‌های انقلابی به عنوان مرکزی برای طی کردن سفر عشق و رسیدن به دیدار معشوق.

■ **باتوجه به توضیحاتی که اظهار کردید، اگر جوانان انقلابی به دنبال رسیدن به چنین درجه‌ای از شخصیت معنوی باشند، باید چه برنام‌های داشته باشند؟ چه مسیری را بروند؟ رسیدن به این حالت که انسان یک شور معنوی داشته باشد محتاج عمل به چه دستوراتی است؟**

ببینید! شهدا هر کدام یک سیدعلی قاضی درون‌شان داشتند که آنها را تربیت می‌کرد. در درون هر کدام از ما ندای فطرت و وجدان وجود دارد که عمل به آنها زمینه‌های رشد معنوی را فراهم می‌کند. آیت‌الله بهجت مدام می‌فرمود به دانسته‌های خود عمل کنید. کافی است که ما از همین شروع کنیم، ما می‌دانیم که خیلی از کارهای‌مان درست نیست، همان‌ها را درست کنیم، این کم‌کم باب ارتقای معنوی را برای انسان باز می‌کند.

بعد از این مرحله آنچه که در سیره همه شهدا دیده می‌شود دلدادگی به نماز اول وقت است. دقت بفرمایید، دلدادگی و انجذاب و نماز با عشق آن هم در اول وقت. آیت‌الله بهجت می‌فرمود همین نماز اول وقت و ترک مصیبت برای رسیدن به مقامات معنوی کافی است. ما فکر می‌کنیم رشد معنوی یکسری فرمول‌های پیچیده دارد که باید رفت آنها را پیدا کرد و به سختی به آنها عمل کرد. خیرا فرمول‌های رشد معنی، خیلی هم ساده است. یکی از آنها همین نماز اول وقت. نقطه مشترک دیگری که همه شهدا داشتند، اشک بر امام حسین بود. دم غروب‌ها در مناطق عملیاتی، در شلمچه در محزون، رزمنده‌ها دست به سینه به سمت کربلا می‌ایستادند و به امام حسین سلام می‌دادند. پای روضه‌ها که وسط می‌آمد، رزمنده‌ها محزون و شیدا می‌شدند. شما در تمام اوراق زندگی و وصایای شهدا ردهای عشق و شیدایی نسبت به امام حسین را می‌بینید. این هم از آن سسکوه‌های مهم معراج شهدا بوده است و هر کس که می‌خواهد به مقامات شهدا برسد باید از این باب وارد شود.

دعا، نیایش، وقت گذاشتن برای خلوت با خدا، داشتن یک برنامه مطالعاتی معنوی و دینی؛ اینها هم مسائلی است که باید به آن توجه کرد. باید قرآن را خواند و در آن تدبر کرد، باید زیارت جامعه کبیره را به عنوان یک سند مهم

چندین مقاله از سیدجلال رضوی همدانی

سید حسن نصرالله آمیزه تقوا، صلابت و تدبیر



چندین مقاله از سیدجلال رضوی همدانی

چندین مقاله از سیدجلال رضوی همدانی



سیره معنوی سردار همدانی

■ شما تاکنون با بسیاری از رزمنده‌های جبهه مستضعفین ارتباط داشته‌اید که جمع زیادی از آنها هم به فیض شهادت رسیدند. شاید یکی از مهم‌ترین این شخصیت‌ها سردار همدانی بود که با حضر تعالی رفاقت نزدیکی داشت. درباره شخصیت معنوی سردار همدانی برای‌مان بیشتر توضیح دهید.

شهید همدانی تربیت شده دامان آیت‌الله مدنی بود. بحق او را حبیب سپاه نام دادند. هیچ‌گاه فعالیت‌های نظامی شهید همدانی مانع لطافت‌های روحی و برنامه‌های معنوی او نشد. یک مجلس روضه خانگی داشت که در هیچ شرایطی آن را لغو نمی‌کرد، حتی در زمانی که در ماموریت بود تاکید داشت این روضه برگزار شود. حتی وصیت کرد بعد از شهادتش هم مجالس روضه خان‌هاش برپا بماند که هم‌اکنون همسر محترم ایشان مسؤلیت این امر را برعهده دارد. دقت کنید خود این مساله که انسان مسائل معنوی را به خانواده خود بکشد هم مساله مهمی است؛ اینکه انسان تلاش کند نه تنها خودش، بلکه خانواده‌اش نیز در مسیر تعالی و رشد معنوی باشند. سردار همدانی اینگونه بود؛ تلاش می‌کرد خانواده‌اش را نیز در مسیر رشد و تعالی قرار بدهد. شهید همدانی یک فرمانده شجاع، لایق، دلیر و باتدبیر بود. از رموز توقیقات معنوی ایشان معنویت بود. عشق به اهل‌بیت و گرهم‌های آقای شهید همدانی ترسیم شده است؛ که در این مکتب معنوی، عزا و مصیبت حضرت زهرا فراموش شدنی نیست. سردار همدانی شهادت را به عنوان مسیر بندگی خدا انتخاب کرده بود. آنچه‌ان به امر ولایت اهتمام داشت که می‌کوشید امور شخصی‌اش هم مطابق نظر و فریای مقام معظم رهبری باشد. موضعش نسبت به انقلاب، موضوع یک بدهکار بود. همواره احساس بدهکاری به انقلاب این کرد نه طلبکاری. از خصوصیات مهم و جالب سردار همدانی این بود که قرآن را که می‌خواند، آیات منتخبی را جدا می‌کرد، آیتاتی که چشمش را می‌گرفت و معنایش به صورت ویژه‌تری به دلش می‌نشست، این آیات را می‌نوشت و حفظ می‌کرد. نه تنها آیات قرآنی، بلکه نسبت به ادعیه هم همین‌طور بود. قرآزهایی از ادعیه مختلف را انتخاب و جدا کرده بود و اینها را حفظ می‌کرد و در اوقات مختلف، در قنوت‌ها و نمازها و سجده‌ها و رکوع‌ها این فرازهای منتخب دعا را می‌خواند.

ضمن توضیح این مطالب درباره شهید همدانی نکته‌ای را داخل برانتز اضافه کنم. توجه داشته باشید ظرافت‌های جالبی در سیره شهدا به چشم می‌خورد. خوب است انسان این هنرمندی‌ها را یاد بگیرد و از آن در جهت رشد معنوی خود استفاده کند. رزمنده‌ها وقتی عملیاتی به نام حضرت زهرا بود، از خدا می‌خواستند اگر قرار است تیر بخورند، تیر بپلوت تیر بخورند، اگر قرار است شهید شوند، جسدشان بی‌نام و نشان بماند، اگر عملیات با نام علی بن ابی‌طالب بود، از خدا می‌خواستند اگر قرار است تیر بخورند، فرق سرشان در محراب جهاد علیه شیاطین شکافته شود؛ اینها هنرمندی است. ظرافت‌های معنوی است. یاد آن شعر می‌افتم که می‌فرمود: «مردان حقیقت که به حق پیوستند/ از دام تعلقات دنیا رستند/ چشمی به تلاشای جهان بگشوند/ دیدند دینی ندارند، بستند». رسم شهادت هنوز پارچاست، امیدوارم ما هم به خیل این کاروان آسمانی بپیوندیم. شهدا نومیار بندگی را با خون خود امضا کردند. واقعا وقتی در احوالات شهدا می‌سیر می‌کنیم، می‌بینیم اوصاف آنها با اوصافی که حضرت امیر مومنان در خطبه متقین ترسیم می‌کند، منطبق است. حضرت امیرالمومنین توصیفی از تهجد و نماز شب‌ها و عبادت‌های شبانه متقین می‌کند که نمونه‌های آن را من در احوالات شهدا به چشم دیدیم. شهدا متعلق به یک مکان و زمان نیستند. شهدا ویرای تاریخ و جغرافیا پرواز می‌کنند. ظلم، سستی‌زی و بندگی خدا، فصل مشترک همه شهدا تاریخ اسلام است. شما شخصیت سردار سلیمانی را ببینید، ایشان بحق نفس زکیه انقلاب اسلامی بود. در وسایل ایشان بعد از شهادت چه پیدا کردند؟ قرآن و تسبیح و کتاب دعا. ایشان روشش اینطور بود که برای خود نوحه می‌خواند، برای خود روضه می‌خواند و در خلوت خویشتن گرمی می‌کرد. سردار سلیمانی چنان شخصیت معنوی بزرگی داشت که وقتی تصمیم گرفته شد برای غیارروبی ضریح امام رضا یک غیرمعمم انتخاب شود، این شخصیت بزرگ انتخاب می‌شود و ایشان با آن حالات خاص معنوی در توسلات خود به حضرت امام رضا شهادتش را طلب کرد. این هم سری بود که شهدا شهادت خود را در توسل به اهل بیت می‌گرفتند. به هر ترتیب این بزرگواران اسوه‌های معنوی هستند که زندگی آنها باید نشر پیدا کند. حقا و حقیقتا از زندگی امثال سردار سلیمانی و سردار همدانی باید مستند ساخت، نه فقط به عنوان مردان و فرماندهان نظامی که افتخارات بزرگی را رقم زدند، بلکه به عنوان سالکان و مردان خدا که به اوج کمالات معنوی نائل شدند.